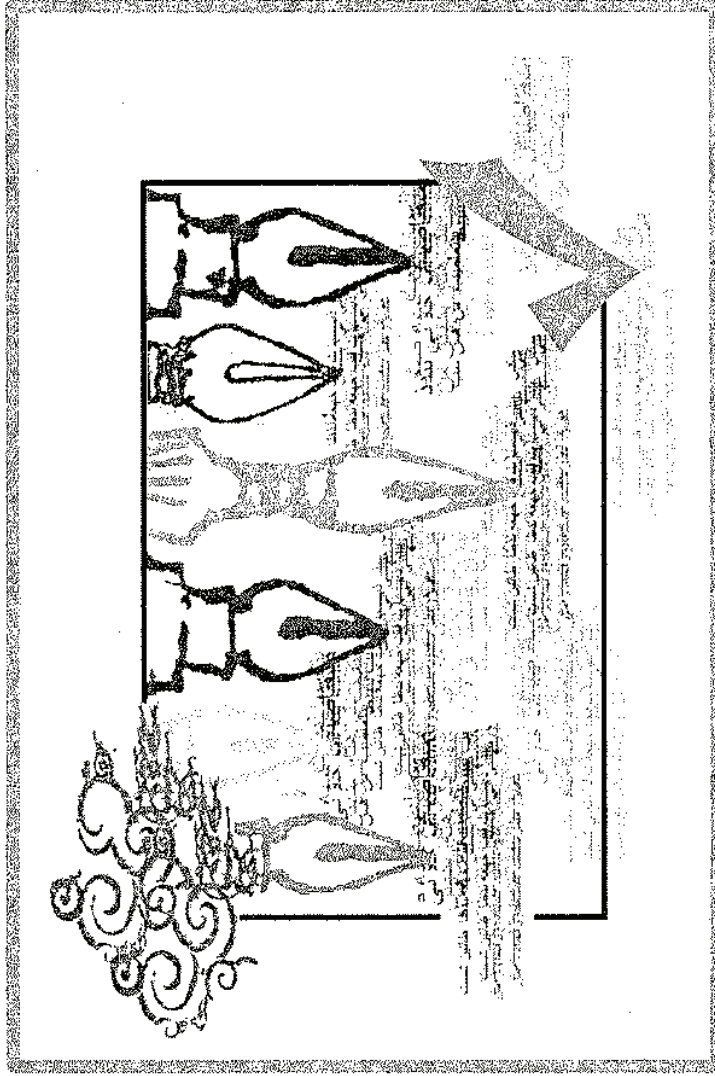


سر مقاله

پور سید آقایی
مسعود



دکترین مہدویت (1)

مسعود پور سید آقایی



«وقل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً»^۱

«ونريد ان نمنّ على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمةً ونجعلهم الوارثين»^۲

قال رسول الله ﷺ «إبشروا بالمهدى - قال ثلاثاً - يخرج على حين اختلاف من الناس و زلزال شديد يملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، يملاء قلوب عباده عبادة و يسعهم عدله»^۳

قال رسول الله ﷺ «المهدى يخرج في آخر الزمان»^۴

چرايي ۱

با فروپاشی کمونیسم و به بن بست رسیدن لیبرالیسم و رو شدن دست آمریکا در چپاول و کشتار ملت‌ها از یک سو و کوچک شدن دنیا به دلیل گسترش ارتباطات و طرح دهکده جهانی و جهانی سازی از سوی دیگر، و در فصل عطش ناک زمین و برای نجات این نسل تشنه و

۱. اسراء، ۸۱.

۲. قصص، ۳.

۳. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۷۹؛ مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۷ (با اندکی تفاوت)؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

۴. همان، ص ۱۷۸؛ بحار، ج ۵۱، ص ۷۳.

خسته، می‌باید طرحی نو در انداخت و آموزه‌ای را جست که با زبان مناسب و ادبیات جهانی، در برابر تئوری‌ها و نظریه‌های نظریه‌پردازان بزرگ جهانی درباره پایان تاریخ و فرجام‌نهایی انسان‌ها بتواند ایستادگی کند و با آنها به رقابت پردازد و در بسیج و جذب همگان از فرهیختگان گرفته تا توده‌های میلیونی نیز موفق باشد.

باید به دنبال آموزه‌ای بود اعتقادی، جهانی، فراگیر، فرادینی و بین‌الادیانی، اصیل و ریشه‌دار، آرمانی، حیاتی و حیات بخش، سرنوشت‌ساز، متعلق به ما و عصر ما، نویدبخش، پایان‌بخش همه اختلاف‌های مذهبی و غیر مذهبی، برطرف‌کننده مشکلات انسان‌ها، برآورده‌کننده آرزوها و خواست‌های همه انسان‌ها در طول تاریخ، تعیین‌کننده حرکت جوامع، تحول‌آفرین و الگوساز در تمامی عرصه‌ها و ساحتهای حیات بشری و بالاخره دارای قدرت انفجاری عظیم و بی‌بدیل در بسیج توده‌ها و ملت‌ها در مقابله با همه ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها.

آموزه‌ای با این‌گونه اوصاف و توان‌مندی به جز «مهدویت» نمی‌توان یافت و در میان اصطلاحات رایج در ادبیات جهانی نیز اصطلاحی گویاتر و مناسب‌تر از «دکترین»^۱ به‌نظر نمی‌رسد.

۱. دکترین در لغت به معنای آموزه، مکتب، آیین، عقیده و نظر آمده است (فرهنگ معاصر، انگلیسی - فارسی، ص ۴۳۲) و در اصطلاح در فرهنگ‌نامه‌ها و در علوم مختلف دارای معانی و کاربردهای متفاوتی است که در این‌جا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ♦ الف) اصول و قواعدی که در هر یک از شاخه‌های علوم و یا در میان پیروان یک آیین مورد تصدیق و اعتقاد باشد؛
- ب) مجموعه‌ای از عقاید که دستگاهی از نظریات دینی، فلسفی یا سیاسی تشکیل دهد؛
- ج) مجموع عقایدی که در باب توجیه و بیان و تفسیر قواعدی (مثلاً سیاسی) از طرف علمای فن اظهار شده است؛
- د) اصول یک فلسفه، نظام فکری یا سیاست و خط مشی. (فرهنگ علوم سیاسی، ص ۹۸)
- ♦ دکترین در لغت به معنای آیین، و عقیده و مسلک است، ولی در سیاست به معنای طرز تفکر و خط مشی دولت‌مردان در امور سیاسی به کار گرفته شده است. دکترین معمولاً به مجموعه اقدامات و خط مشی سیاسی یک دولت‌مرد که ممکن است مشابه دولت‌مردان قبل و بعد از او باشد، اطلاق نمی‌شود بلکه بخشی از اقدامات و سیاست‌های او را که جنبه ابتکاری دارد و آثار مهمی بر جای می‌گذارد، دکترین وی می‌نامند. (فرهنگ جامع سیاسی، ص ۴۵۸)
- ♦ دکترین از واژه‌ی لاتینی *Doctrina* پدید آمده است. دکترین، نظریه و تعالیم علمی، فلسفی، سیاسی، مذهبی و مجموعه‌ای از نظام‌های فکری است که مبتنی بر اصول معینی باشد و نوعی از جهان‌بینی را بیان می‌کند که برنامه‌های سیاسی براساس آن پایه و بنیاد گرفته است. هم‌چنین دکترین به تنظیم اصولی اطلاق می‌شود دولت‌ها که بر طبق آن مشی خود را، به ویژه در روابط بین‌المللی تعیین می‌کنند. اصطلاح دکترین *Doctrinaire* به شخصی گفته می‌شود که از دکترین معینی حمایت و پشتیبانی می‌کند. در زبان فارسی «دکترین» را آیین سیاسی و یا آموزه می‌گویند. (فرهنگ سیاسی، ص ۲۸۱)
- ♦ تعریف اول: دکترین در زبان یونانی به معنای درس گفتن و آموزش دادن آمده است و در معنای مجازی به مجموعه‌ای از آگاهی‌هایی که برای تدارک دیدن و هدایت یک سلسله از اعمال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و یا مذهبی و غیره که روی حقیقی بودنشان [فقط از جهت عملکردشان در جامعه] تکیه می‌شود، دکترین می‌گویند.

در میان آموزه‌های دینی، مهدویت تنها آموزه‌ای است که این همه را با خود دارد و نه یک گزینه که تنها گزینه و نه یک راه که تنها راه است؛ «السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلك»، «السلام علیک یا باب الله الذی لایوتی الامنه» و «لا ابتغی بک بدلاً و لا اتخذ من دونک ولیاً»^۱.

گرچه همه آموزه‌های دینی، حیات آفرین و برای رسیدن انسان به کمال نهایی مورد توجه و اهتمام شارع‌اند؛ اما همه آنها در یک سطح قرار ندارند و اهمیت و کارکرد آنها یکسان نیست؛ هم‌چون آیات قرآن که در عین این که همه معجزه‌اند، از نظر اهمیت و فصاحت و بلاغت در یک سطح نیستند؛ کی بود «تبت یدا» چون «قیل یا ارض ابلعی»^۲.



تعریف دوم: دکتربین عبارت از اصول و مقررات، نظرات و تزه‌ای مختلفی است که مورد قبول جامعه‌ای قرار گرفته و بدان عمل می‌شود. به سخن دیگر، هرگونه تئوری تا زمانی که بدان عمل نشود، در حد نظریه باقی می‌ماند، ولی از زمانی که تئوری در جامعه‌ای پذیرفته شد و مردم بدان اعتقاد عملی [نه فقط علمی] پیدا کردند، یعنی بدان عمل نمودند، به دکتربین بدل می‌شود؛ مانند دکتربین سوسیالیسم، یا سوسیالیسم جهانی که حقانیتش از لحاظ علمی تا امروز هنوز ثابت نشده است، ولی در بسیاری از جوامع به رهنمودهای اجتماعی آن عمل می‌شود. از این قبیل است بسیاری از مذاهب و اندیشه‌های سیاسی و غیره. (فرهنگ فرهیخته، ص ۴۰۸)

♦ دکتربین از واژه‌ی لاتین *Doctrina* (عقاید اصولی) است، و در مفهوم به مجموعه‌ای از نظام فکری مبتنی بر اصول خاص اطلاق می‌شود. دکتربین، به مجموعه‌ی عقاید و افکار و نظرات پیروان یک نگرش و گرایش خاص حقوقی، سیاسی و ادبی یا فلسفی یا علمی نیز گفته شده است. در دکتربین، اصول اعتقادات قطعی و تصوّرات ذهنی محکمی جای دارد. گاهی نظام فکری و مذهبی خاصی را دکتربین آن نظام فکری و مذهبی نام داده‌اند، مثل دکتربین بقای روح و پاره‌ای دکتربین‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی. نیز به کسی که حافظ یا مبلغ یک نگرش و بینش خاص است، دکتربینر می‌گویند. (نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، ص ۵۵۲)

♦ بیشتر واژه‌نامه‌ها دو معنای مرتبط با واژه دکتربین ذکر کرده‌اند: ۱. تأیید و تصدیق یک حقیقت؛ ۲. تعلیم. این دو معنا با یکدیگر قابل جمع‌اند؛ زیرا تصدیق و تأیید یک چیز به عنوان یک حقیقت، روشی برای تعلیم آن نیز هست و چیزی که تعلیم داده می‌شود، معمولاً حقیقی تلقی می‌شود. دکتربین در مقام بیان یک «حقیقت» از یک قالب فلسفی برخوردار است و به عنوان یک «تعلیم»، چیزی را بیان می‌کند که عملی‌تر است.

معمولاً دکتربین‌های دینی را هدف عملی آنها مشخص می‌سازد. حتی هنگامی که یک دکتربین در شکل یک شرح و بسط پیچیده نظری نمایان می‌شود، معمولاً وضعیت به گونه‌ای است که علاقه نظری کاملاً تابع علاقه معنوی می‌باشد که دغدغه غالب است. (دائرة‌المعارف میرجا الیاده، مدخل دکتربین Doctrine)

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

۲. اشاره است به شعر زیر در بیان تفاوت آیات قرآن از نظر فصاحت و بلاغت:

در بیان و در فصاحت کی بود یکسان سخن گرچه گوینده بود چون جاحظ و چون اصمعی
از کلام ایزد بی‌چون که وحی منزل است کی بود «تبت یدا» چون «قیل یا ارض ابلعی»

تفسیر روح البیان، ج ۴، ص ۱۳۷ ذیل آیه ۴۴ سوره هود (و قیل یا ارض ابلعی ماء ک و یا سماء اقلعی...).

دکترین مهدویت، اکسیر حیات بخشی است که مس وجود انسان‌ها و ملت‌ها را به رغم همه اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که دارند به‌زیر ناب بدل می‌سازد و همه عالم و آدم را متحول می‌کند. دکترین مهدویت، عصای موسی در برابر ساحرائی است که در فصل پایان تاریخ، دل و هوش از همگان ربوده‌اند.

مناسب است در عصری که لحظه‌ها، ارزش سال‌ها و گاه قرن‌ها را دارند و رندان عالم به شکار لحظه‌ها می‌پردازند تا از آن کام بگیرند، اکسیر حیات بخش و متاع ارزش‌مند و بی‌بدیل خود را با ادبیاتی جهانی به جهانیان عرضه کنیم و «چیستی»، «مبانی» و «کارکردهای» دکترین مهدویت را به گفت‌وگو بگذاریم تا شاید دستی از غیب فرود آید و کاری بکند و با برداشتن فاصله‌ها، زمینه ساز نور باشد. ان شاءالله.^۱

چیستی^۲

مراد از دکترین مهدویت، آموزه‌ای اعتقادی، جهانی و بر محور مهدویت است که تفسیری راهبردی از عرصه‌های اساسی حیات بشری ارائه می‌دهد و در نگرش، انگیزش و کنش انسان‌ها و ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی آنها، تحولی بنیادین ایجاد می‌کند.

دکترین مهدویت، یعنی نگرش به مقوله مهدویت به عنوان یک آموزه جامع و فراگیر و یک موضوع راهبردی و استراتژیک.

دکترین مهدویت، یعنی رمز خروج جهان از همه بن بست‌ها و سیاهی‌ها و تباهی‌ها و راز رهایی بخش همه ملت‌ها از ستم حاکمان و جور مستکبران.

۱. برای چرایی و ضرورت دکترین مهدویت علاوه بر آن چه گفته شد، می‌توان افزود که برای زمینه‌سازی ظهور، معمولاً دو راه پیشنهاد می‌شود:

الف) گسترش تشیع و افزایش شیعیان در جهان تا در پی آن ظهور تحقق بیاید؛

ب) طرح دکترین مهدویت به عنوان یک آموزه بین‌الادیانی و ضرورت وجود یک مصلح و منجی جهانی با شاخصه‌های شیعی و در نتیجه وحدت انسان‌ها و ملت‌ها در حول این محور اساسی.

آن‌چه با توجه به شرایط جهانی و واقعیت‌های تاریخی و برخی روایات، واقع بینانه‌تر به نظر می‌رسد، نگاه دوم است. به عبارت دیگر، دکترین مهدویت دریچه‌ای است برای فراخوان همه اهل عالم به اسلام. با آمدن امام زمان عج، اسلام فراگیر و جهانی می‌شود؛ «انا نرغب الیک فی دولة کریمه تعزیه‌ها الاسلام واهله». رغبت اجتماعی و جهانی، زمینه پیدایش دولت کریمه حضرت می‌شود و در آن دولت، اسلام و مسلمین عزیز می‌شوند.

۲. تعریف و بیان چیستی یک چیز گاهی با بیان جنس و فصل و حد و رسم است و گاهی با بیان فواید و آثار. در بسیاری از موارد، تعریف به آثار، کارکردهای بیشتری دارد و ما در این‌جا از هر دو راه بهره گرفتیم.

دکترین مهدویت، یعنی امید به جهان آینده و آینده جهان، یعنی فلسفه حیات و تاریخ بشریت. دکترین مهدویت، یعنی عامل رعب و هراس مستکبران و رمز وحدت و قدرت مستضعفان. دکترین مهدویت، یعنی گم‌گشته همهٔ دردمندان و رنجدیدگان و گمشده همهٔ عصرها و نسل‌ها.

دکترین مهدویت، یعنی تنه‌اراه رسیدن به جامعه ایده‌آل، همراه با انسانهای صالح و رهبر مصلح. دکترین مهدویت، یعنی درخواست و تقاضای جهانی برای ظهور یک منجی آسمانی و پایان دادن به همه رنج‌ها و آلام بشری.

دکترین مهدویت، یعنی نجات زمین و آسمان از شر نیروهای شیطانی و سفیانی. دکترین مهدویت، یعنی بلوغ انسان و درک اضطرار به یک منجی الهی و مصلح معصوم. دکترین مهدویت، یعنی پایان بخشیدن به همه دغدغه‌های بشر در همه عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی.

دکترین مهدویت، یعنی تنه‌اراه در فصل پایان تاریخ و تنها نگاه به فرجام جهان. دکترین مهدویت، یعنی آغازی بر یک پایان؛ آغاز فصل زرین حیات انسان و پایان برگی از تاریخ او.

دکترین مهدویت، یعنی متعلق دانستن همه زمین و هرچه در آن است، به همه انسان‌ها از هر رنگ و نژاد.

دکترین مهدویت، یعنی همه‌چیز برای همه؛ عدالت، امنیت، ثروت، علم، عزت، حکمت و... . دکترین مهدویت، یعنی یک‌پارچگی جهان و یک‌دستی همه انسان‌ها. دکترین مهدویت، یعنی آفتاب روشن و سراسر سرسبزی و پاک‌ی و نشاط پیش‌روی انسان معاصر. دکترین مهدویت، یعنی آخرین پناه و خاک‌ریز انسان معاصر در برابر همهٔ سیاهی‌ها و تباهی‌ها. دکترین مهدویت، یعنی پایان همه اختلاف‌ها و پاسخ همه مشکلات. دکترین مهدویت، یعنی آموزه‌ای با قدرت انفجاری بی‌بدیل برای انسان معاصر، در عصر جهانی شدن و به بن بست رسیدن همهٔ ایسم‌ها و مکاتب.

دکترین مهدویت، یعنی طرح حکومت جهانی صالحان با محوریت انسان مصلح موحد. دکترین مهدویت، یعنی نفی همهٔ منیت‌ها و برداشته شدن همه مرزهای جغرافیایی و جهانی یک‌پارچه و یک‌دست.

دکترین مهدویت، یعنی خروج جهان از فصل خزان پر ظلم و جور و ورود به بهار سرشار عدل و قسط.

دکترین مهدویت، یعنی حیات طیبه الهی در فصل آخر تاریخ.

دکترین مهدویت، یعنی بیزاری انسان‌ها از ظلم و نیاز مشترک آنان به یک منجی.

دکترین مهدویت، یعنی رمز حیات اسلام و خروج از انفعال و بن بست‌ها.

دکترین مهدویت، یعنی تنها کشتی نجات و امید انسان در برابر امواج توفنده و غرقاب‌های سخت آخرالزمان.

دکترین مهدویت، یعنی اراده جهانی برای کنار زدن ابرها و نمایان شدن خورشید عالم‌تاب هستی در میان آسمان.

دکترین مهدویت، یعنی دریچه‌ای به آینده روشن بشریت و آرمان شهر انسان‌ها.

دکترین مهدویت، یعنی امتداد خط انبیا، اوصیاء و اولیاء و رسیدن به منزلت رفیع و کمال نهایی انسان.

دکترین مهدویت، یعنی وعده حتمی خدا در فرجام انسان‌ها و سنت قطعی او در نهایت تاریخ.

دکترین مهدویت، یعنی اسلحه فوق هسته‌ای شیعه در تسخیر جهان.

دکترین مهدویت، یعنی راه گسترش اسلام در جهان و دریچه‌ای به فراخوان و ورود

همگان به اسلام؛ «یدخلون فی دین الله افواجا»^۱ و برخاستن گلبانگ دل‌انگیز «لا اله الا الله،

محمد رسول الله» در جهان.

دکترین مهدویت، یعنی نقبی به روشنایی و دریچه‌ای به صبح و «الصبح بقرب»^۲.

مبانی و کارکردها (۳)

دکترین مهدویت، بر مبانی و پایه‌های محکمی استوار است:

۱. جهانی شدن و کوچک شدن جهان؛

۲. عجز بشر از ساماندهی امور جهان؛

۳. شکست مدعیان جهانی؛

۱. نصر، ۲.

۲. هود، ۸۱.

۴. نیاز زمین به آسمان (اضطرار به حجت زنده)؛

۵. وعده و سنت قطعی الهی؛

۶. اصالت اعتقاد به منجی موعود (برخورداری از پشتوانه فطری، عقلی و نقلی و از

مشترکات بین الادیانی)؛

۷. ضرورت تشکیل حکومت جهانی.

توضیح «مبانی» و بررسی «کارکردهای» دکتربین مهدویت، در حوزه‌های انسان‌شناختی،

جامعه‌شناختی، سیاست، اقتصاد و هنر را به شماره‌های آینده وا می‌گذاریم. ان‌شاءالله.

● سردبیر
